فهرست مطالب

اشاره به مباحث قبل: 2

رفق و مدارا در روابط اجتماعی 2

حکم رفق و خُرق 2

مطلب هفتم: سطوح روابط اجتماعی 2

اقسام ارتباطات انسانی 3

کافر حربی 4

ارتباطات با گروه‌های خاص 4

ادله نقلی رفق و مدارا 5

روایات مطلق 5

روایات تقیه 7

روایات ارتباط با شیعیان 7

ادله نقلی مخصص 8

آیات دال بر شدت با کفار 8

روایات شدت با کفار 9

مفهوم روایت نهی از مودت کفار 9

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع:** اصول و روش‌های تربیتی/ اصل قدرت و استطاعت مربی و متربی (رفق و مدارا)

## اشاره به مباحث قبل:

بحث ما در دو مقام بود؛ در مقام اول رفق و مدارا از منظر فقه روابط اجتماعی را بررسی می‌کنیم و در مقام دوم رفق و مدارا را از منظر فقه تعلیم و تربیت بحث می‌کنیم.

## رفق و مدارا در روابط اجتماعی

در مقام اول روایات کثیره وارد شده و بخشی را خواندیم که بر رعایت رفق و مدارا در روابط اجتماعی تأکید داشت و همچنین روایاتی که از خشونت و تندی منع می‌کرد هم بررسی شد.

**حکم رفق و خُرق**

در محور پنجم و ششم این بود که رفق و مدارا رجحان و استحباب مؤکد دارد اما خُرق و عُنف حرام است. اگر رفتار انسان به مرتبه‌ی تندی و پرخاشگری برسد در روابط اجتماعی بر اساس روایات وارده، این تندی حرام است.

## مطلب هفتم: سطوح روابط اجتماعی

مطلب هفتم این است که رفق و مدارا در روابط اجتماعی میان انسان‌ها به مفهوم عام است، یا در ارتباطات بین مسلمانان مطرح است و یا در ارتباط با مؤمنان و شیعیان؟ شعاع رفق و مدارا کل انسان‌ها به نحو مطلق است، اهل کتاب، یا مسلمانان و یا شیعیان؟

قبل از بررسی روایات، عرض کنم که به‌طورکلی تمام آنچه در فقه روابط میان فردی مطرح است، آنچه حکم به خوبی و بدی آن می‌شود، ایجابی یا سلبی، و ... این سؤال مطرح در مورد همه آن‌ها مطرح است. مسائلی مانند غیبت، کذب، حسن خلق و ... در روابط اجتماعی مطرح است که آیات وظیفه‌ی عام و فراگیر است، یا در ارتباط با مسلمانان است و یا در ارتباط با شیعیان و برادران ایمانی به معنای خاص. در همه مسائل این سؤال مطرح است.

## اقسام ارتباطات انسانی

در پاسخ به پرسش بالا، سه یا چهار حالت متصور است:

1ـ وظیفه ایجابی و استحبابی در روابط بین انسان‌ها است با قطع‌نظر از دین، مذهب و نوع ارتباط و اینکه هر دینی داشته باشد، مثلاً غیبت کردن بد است نسبت به همه افراد.

2ـ وظیفه‌ ارتباطی با انسان‌های مسلمان و اهل کتاب؛ فقط کفار غیر اهل کتاب از دایره رفق و مدارا خارج باشد. نسبت به ادیان ابراهیمی توصیه شده تا با رفق و مدارا بیشتری رفتار شود، ادله لزوم رفق و مدارا اختصاص به اهل کتاب و مسلمانان دارد ولی شامل غیر اهل کتاب نمی‌شود. اهل کتاب که گفته می‌شود، اهل ذمه را هم دربر می‌گیرد.

3ـ ادله رفق و مدارا اختصاص دارد به مسلمان؛ شامل کفار (اعم از اهل کتاب و غیرش) نمی‌شود.

4ـ بر اساس ادله، رفق و مدارا اختصاص دارد به شیعیان؛ لذا ما وظیفه داریم در روابط با پیروان اهل‌بیت (ع) قاعده رفق و مدارا را رعایت کنیم.

تاکنون مباحث روابط اجتماعی خوب بحث نشده است، چه در قالب اخلاق و چه در حوزه فقه. به این سؤالات هم پاسخ جامع داده نشده است.

انسان در کدام یک از دایره‌های چهارگانه وظیفه دارد؟

از این چهار دایره عمومی در دایره‌های خاص‌تر هم جای بحث دارد. در روابط با همسایگان، خانواده، پدر و مادر، استاد و شاگرد، همکاران و ... اصولی دارد که فقه روابط اجتماعی نمی‌آوریم هر کدام باب خاص دارد. در خطبه‌های اول نماز جمعه قم حتماً گوش دادید که همین نحو بحث می‌کردیم. به‌عنوان‌مثال شکرگزاری، جای بحث دارد که آیا کاری انسانی، اسلامی، شیعی یا ... است و در فضای خانه مورد تأکید قرار گرفته است. همان مباحث مطرح در خانواده در مراتب دیگر در آن روابط چهارگانه مطرح است.

### کافر حربی

نسبت به کافر محارب باید توجه داشت که کافر حربی با بقیه متفاوت است. ممکن است نسبت به محارب هم نوعی دستور به رفق و مدارا داشته باشیم یعنی علاوه بر اینکه در حال جنگ هستیم، برخی نکات اخلاقی جنگ را باید مراعات کرد. در مورد حقوق بشردوستانه چند بار سخنرانی کرده‌ام. جنگ که داری با دشمنت هم باید نکاتی را رعایت کنی. بحث جامعی در فقه انجام نشده است. در هریک از محور این سؤال مطرح است که آیا مربوط به شیعیان است؟ آیا مربوط به مسلمانان است؟ آیا مربوط به مسلمانان و اهل کتاب است؟ و یا نسبت به همه انسان‌ها است.

### ارتباطات با گروه‌های خاص

اگر همه آن ریز موضوعات را تحت یک عنوان جمع کنیم، در روابط خاصی مانند اداری، شاگردی و استادی، خانوادگی و ... اصل ایجابی و سلبی می‌تواند صور متعدد داشته باشد. گاهی رعایت رفق و مدارا در همه مراتب لازم است و در موارد خاص مورد تأکید بیشتری قرار دارد. گاهی در سطح پنجم است؛ در روابط با همکاران، همسران، گاهی بین شیعیان، گاهی بین مسلمانان و گاهی هم بین مسلمانان و اهل کتاب است. پاسخ همه مراتب را به دست آوردن و همه را کنار هم قرار دادن، یک منظومه می‌شود و نظریه جامع اسلامی به دست می‌آید. این پایه علوم اجتماعی اسلامی است. این کار نیاز به ده سال کار علمی با کار گروهی دارد تا تبدیل به نظریه شود و تمدن‌سازی انجام شود لذا باید کار فقهی کرد.

ممکن است اصلی باشد که در همه پنج مرحله توصیه شده باشد مثلاً همین بحث شکر منعم که در یکی از دوایر بیان شده یا در همه آن‌ها باشد. این جا بجا فرق می‌کند لذا این ما هستیم و بررسی ادله فقهی. کم‌وبیش در «غیبت» بحث شده است که آیا غیبت کردن «مخالف» مذهب جایز است؟ در کدام دایره اختصاص دارد؟ آیا حرمت غیبت اختصاص به شیعه دارد؟ ممکن است در یک مرحله حرام باشد اما در مراحل دیگر کراهت داشته باشد یا جایز باشد.

اینجا جای یک فقه ارتباطات اجتماعی خالی است. در اخلاق از هر کدام سخن‌هایی به میان آمده اما کار فقهی جامع نشده است.

همه مکلف هستند اما متعلق تکلیف و مخاطب آن جای بحث دارد. شیخ انصاری غیبت را برای شیعه حرام می‌داند؛ بحث‌های ما یک جلد کتاب مستقل شده است اما نتیجه‌ی آن بحث یادم نیست. آیا رفق و مدارا در ارتباطات اجتماعی و پرهیز از خشونت در روابط اجتماعی بدون قید است؟ آیا اختصاص به مسلمانان دارد؟ یا شیعه؟

به نظر می‌رسد که این وصف با مراجعه به روایات خواهید که اختصاص به گروه خاص ندارد. در دایره عام، اطلاق دارد. البته هر اطلاقی مقید و مخصص هم دارد ولی روایاتی داریم که اطلاق دارد. بحث فقط روی مسلمان و شیعه دور نمی‌زند بلکه عمومیت و شمول دارد.

## ادله نقلی رفق و مدارا

### روایات مطلق

دسته اول از روایات، روایاتی است که در آن ترغیب شده به هیّن و لیّن بودن بدون قید و شرط.

مثلاً در بحار ب 42 باب الرفق مجموعه‌ای از روایات وارد شده است.

حدیث چهارم، سندش هم قابل تصحیح است.

الأمالي للصدوق ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ «**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ أَ لَا أُخْبِرُكُمْ‏ بِمَنْ تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَداً قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْهَيِّنُ الْقَرِيبُ اللَّيِّنُ‏ السَّهْلُ**».‏[[1]](#footnote-1)

آدمی که نرمش و مدارا دارد، فردا از عذاب نجات داده شود. اما چه کسی در کجا مطرح شده است. چه کسی باید لیّن باشد؟ قید ندارد. روایات دیگری هم داریم. حذف متعلق دلیل بر عمومیت است. گروه دیگر روایاتی است که عبارت «ناس» دارد.

حدیث 13: این روایت چند سند و نقل دارد. این نقل از سند اشکال دارد اما سند معتبر هم دارد.

الأمالي للشيخ الطوسي بِإِسْنَادِ الْمُجَاشِعِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ «**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ إِنَّا أُمِرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أُمِرْنَا بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ**».‏[[2]](#footnote-2)

معاني الأخبار عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ «**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ**»‏.[[3]](#footnote-3)

در چندین روایت دیگر هم تعبیر «ناس» آمده است.

نسبت این روایات را آیاتی از قبیل «**اشدّاء علی الکفار**» و روایات همین مضمون را عرض خواهیم کرد.

اینکه در روایات آمده است «**الرفق یُمن**» از همین قبیل و از دسته اول است.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ الرِّفْقُ يُمْنٌ وَ الْخُرْقُ‏[[4]](#footnote-4) شُؤْمٌ**».[[5]](#footnote-5)

پس در گروه اول روایات که بر رفق و مدارا اشاره دارد، یا هیچ قیدی ندارد و یا حداقل مانند دسته دوم است که با قید «ناس» آمده است و ناس شامل مسلمان و غیرمسلمان می‌شود. در مورد اهل کتاب فعلاً چیزی یادم نیست.

### روایات تقیه

اما گروه سوم، تمام روایات باب تقیه[[6]](#footnote-6) و روابط با عامه در این حوزه قابل بررسی است. در بحارالانوار جلد 72 باب 87 روایاتی وارد شده که محور آن‌ها مدارا با غیر شیعه را مورد تأکید قرار می‌دهد.

### روایات ارتباط با شیعیان

در دایره چهارم، روابط بین شیعیان مطرح است که روایاتی دال بر همین مضمون وارد شده است. این دسته روایات با تعبیرات «اخوانکم»[[7]](#footnote-7)، «مصادقة الاخوان» «صدوق»، «مؤمن» و ... وارد شده است. مراد از اخوان در روایات ما، شیعیان است.

در باب رفق و مدارا به‌عنوان یک اصل اجتماعی در لایه‌ی «ناس» روایت داریم و هم در لایه‌های بعدی. در هیچ لایه‌ای لسان حصری نیست. همه روایات مثبت است لذا مطلق بر مقید حمل نمی‌شود اما در دایره محدود و خاص تأکید بیشتر محسوب می‌شود. روایات خاصه هم همانند روایات عام و دایره‌های چهارگانه مثبت هستند و اطلاق را تقیید نمی‌زند.

سیره عقلایی هم رفق و مدارا با همه مردم را مورد تأکید قرار می‌دهد.

### ادله نقلی مخصص

ادله مقیّد چند چیز است؛ آیات و روایات که در کتب روایی وارد شده است[[8]](#footnote-8). یک دسته آیات شریفه است از قبیل:

#### آیات دال بر شدت با کفار

«**لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكافِرِينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْ‏ءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقاةً وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ**»[[9]](#footnote-9)

«**يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا بِطانَةً مِنْ دُونِكُمْ لا يَأْلُونَكُمْ خَبالًا وَدُّوا ما عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضاءُ مِنْ أَفْواهِهِمْ وَ ما تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآياتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ**».[[10]](#footnote-10)

«**الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكافِرِينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَ يَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً**».[[11]](#footnote-11)

«**يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْكافِرِينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَ تُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطاناً مُبِيناً**»[[12]](#footnote-12)

«**يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصارى‏ أَوْلِياءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ**».[[13]](#footnote-13)

‏ «**يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُواً وَ لَعِباً مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِياءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ‏ و قال‏ تَرى‏ كَثِيراً مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا**»[[14]](#footnote-14)

«**قُلْ إِنْ كانَ آباؤُكُمْ وَ أَبْناؤُكُمْ وَ إِخْوانُكُمْ وَ أَزْواجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ أَمْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَ تِجارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسادَها وَ مَساكِنُ تَرْضَوْنَها أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفاسِقِينَ**».[[15]](#footnote-15)

‏ «**وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ**»‏[[16]](#footnote-16)

#### روایات شدت با کفار

در روایات هم همین مضمون وارد شده و مورد تأکید قرار گرفته است.

قرب الإسناد أَحْمَدُ وَ عَبْدُ اللَّهِ ابْنَا مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ‏ «**لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ أَنْ يُشَارِكَ الذِّمِّيَّ وَ لَا يُبْضِعَهُ بِضَاعَةً وَ لَا يُودِعَهُ وَدِيعَةً وَ لَا يُصَافِيَهُ الْمَوَدَّةَ**».[[17]](#footnote-17)

#### مفهوم رویت نهی از مودت کفار

در اینجا بحث مفصل‌تری است که ما هم کار نکردیم. در مفهوم این ادله به خصوص روایت که از مودت کفار نهی کرده است، چهار احتمال مطرح است:

الف) احتمال اول: طرح دوستی با کفار نریزید. از کفار فاصله بگیرید. با آنان شدید باشید. تندی و صلابت را باید در شما ببینند. این یک احتمال است. اگر این احتمال باشد، این ادله می‌شود مخصص برای ادله مطلق و ادله‌ای که با عبارت «ناس» وارد شده است.

ب) احتمال اول: همه این‌ها در جایی است که با کفار در حال جنگ باشیم نه مطلق کفار.

ج) احتمال سوم این است که نهی مربوط به ولایت و مودت قلبی است نه ارتباطات عادی.

د) احتمال چهارم آن است که، ممکن است احتمال دوم و سوم را جمع کنیم. با کفار در حال جنگ و غیر حال جنگ باید متفاوت رفتار کرد. این دسته اخیر از آیات و روایات می‌رساند که نباید زیر سلطه کفار رفت؛ از زیر بار سلطه کفار رفتن، نهی و منع وارد شده است.

1. **. مجلسى، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج‏72، ص51.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. أمالي الطوسيّ ج 2 ص 135؛ مجلسى، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج‏72، ص53.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. ( 6) معاني الأخبار ص 195.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. ( 5)- الخرق- نقيض الرفق، و خرق بالشي‏ء ... جهله و لم يحسن عمله.( لسان العرب 10- 75).** [↑](#footnote-ref-4)
5. **. شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، 30جلد، مؤسسة آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ: اول، 1409 ق.** [↑](#footnote-ref-5)
6. **. باب 87 التقية و المداراة.** [↑](#footnote-ref-6)
7. **. محمد بن على ابن بابويه، کتاب مصادقة الإخوان، ص3.** [↑](#footnote-ref-7)
8. **. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج‏72، ص385: باب 85 النهي عن موادة الكفار و معاشرتهم و إطاعتهم و الدعاء لهم‏.** [↑](#footnote-ref-8)
9. **. آل‌عمران، 28.** [↑](#footnote-ref-9)
10. **. آل‌عمران، 118.** [↑](#footnote-ref-10)
11. **. نساء، 139.** [↑](#footnote-ref-11)
12. **. نساء: 144.** [↑](#footnote-ref-12)
13. **. مائده، 51.** [↑](#footnote-ref-13)
14. **. مائدة، 57.** [↑](#footnote-ref-14)
15. **. توبه، 24.** [↑](#footnote-ref-15)
16. **. فتح، 28.** [↑](#footnote-ref-16)
17. **. ( 2) قرب الإسناد ص 78؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج‏72، ص389.** [↑](#footnote-ref-17)